



بازدید اهالی انجمن چهارباغ از عمارت تاریخی مصلی و هنرمندان مجموعه

پاتوق میراث داران هنر

مصلی خارج از محدوده شهری



معصومه فرمانی کیا. اهالی محدوده مصلی سال‌هاست مجاور و همسایه با یک بنای متفاوت زندگی می‌کنند. مجموعه‌ای که تا شاعع چندمترا اش روح هنرمندانهای خواهی ذهن را در پر می‌کند. سبک خاصی که در معماری فضامصالی از دوره چشم‌می‌باشد، کافی است تا باید هرگذاری را برای دقایقی سست کنند. برای بعضی هادیان مجموعه عادی شده است و بی تفاوت از کارش می‌گذرد اما برخی از هنرمندان اناکار در عالمی دیدگاه است و شلوغی آدم‌های اطراف افغان را نمی‌بینند و از پشت لنز دوربین خیره در بنامی مانند.

تعابد از اضایای انجمن توسعه‌گردشگری چهارباغ خراسان، پنجشنبه‌ای که گذشته چند ساعتی از وقت گذاشتند تالحظاتی را بین ایوان و محرابی که سال‌های دور نمایگرداند. آن‌ها بدور از دنیا شلوغ بیرون، لایه‌ای غرفه‌های هنرمندان قدم‌زنند، کپزند و تماشادند. ویرخی هایشان هم تحفه‌ای به یادگار برند تاخته‌ایان دیدار برای همیشه در خاطر شان ماند.

آدم‌بین ایوان و محراب مصلی که قدم می‌زند، سقف افراشته محراب با چوب‌هایی که به منظور تنظیم صوت در سقف جا گرفته‌اند را زدید و به چشم‌می‌بینند و به این مرسدکه مردمان قدیم چقدر عشق را بله بوده‌اند. نذر را بله بوده‌اند. می‌دانسته‌اند برای عشق پاید و وقت گذاشت. درهای چوی تراشیده شده بنایی که را که نگاه کنی، روح هنرمندان تا شاعع چندمترا اش چشم‌می‌کند.

کاشی هایی که دکر زیر یا کاشی کارش هنوز هر در زیر محراب نوی گوش می‌بیچد و زندگانه چشم را متمرکز نظرهایی که کند که بعد این همه سال و زندگی نقش سنت‌های هنرمندانش تازه و پرکاست.

مردمان قدمی، هنرمندانی که داند، هرجاگه‌ای هست عشق بازی‌های رنگانه هنرمندانی گمانم پشت آن پنهان است.

هنر در هنر

این مجموعه به خاطر موقعیت خاص خود به عنوان مرکز پژوهش و آموزش هنرنیزی فعال است. هنرمندان زیادی در رشته‌های مختلف هنری از هنر حکاکی بر روی سنتگ گرفته تا پایه ماسه نوی و قلم‌زنی روی انگشت و نقاشی قیقه خانه‌ای در اتاق‌های کتابخانه این مجموعه مستقر استند. هر روز از هفت صبح تا عصر، این هنرمندان مشغول کارند. حسینی مدیر مجموعه معتقد است اگر هنر همیشه در ساختمان درسته و دور از چشم بماند، دیگر مددی شدن را بیشتر نمی‌یابد. او اعلام کرد است عاشقان و صاحبان ذوق و حتی مردمان عامی و عادی بازدیدی از مصلی هنری مشهد داشته باشند.

بالا رفتن از چند پله کافی است تا زایه‌های دنیای بیرون به هیاهوی هنرمندانه داخل مجموعه و اتاق هایی تور تو دل نواز آن بررسی. هیاهوی که حتی اگر برای بار اول به اینجا مده باشی، حس غریبی نداری بآن صدای دلچسپی که هر از گاهی بلندست.

میان این همه چهره‌های آشنا و غریب استادیار احمدی داخل اتاق نشسته است و گاهی تاری می‌توارد و شعری می‌خواند.

برخی از اتاق‌های شاخلوگی های دنیا اطراف افغان را بینند؛ شبه در عالمی دیگر هستند و شلوغی های دنیا اطراف افغان صفوی

این مجموعه
به خاطر
موقعیت خاص
خود به عنوان
مرکز پژوهش
و آموزش هنر
و نیز فعال است

می‌گفتند این خراسان پر از این‌هاست و می‌گفتند این را بجهانی که می‌گذشتند تا این‌هاست و می‌گذشتند و تماشادند. همچنان که می‌گذشتند و تماشادند. آن‌ها بدور از دنیا شلوغ بیرون، لایه‌ای غرفه‌های هنرمندان قدم‌زنند، کپزند و تماشادند. ویرخی هایشان هم تحفه‌ای به یادگار برند تاخته‌ایان دیدار برای همیشه در خاطر شان ماند.

آدم‌بین ایوان و محراب مصلی که قدم می‌زند، سقف افراشته محراب با چوب‌هایی که به منظور تنظیم صوت در سقف جا گرفته‌اند را زدید و به چشم‌می‌بینند و به این مرسدکه مردمان قدیم چقدر عشق را بله بوده‌اند. نذر را بله بوده‌اند. می‌دانسته‌اند برای عشق پاید و وقت گذاشت. درهای چوی تراشیده شده بنایی که را که نگاه کنی، روح هنرمندان تا شاعع چندمترا اش چشم‌می‌کند.

کاشی هایی که دکر زیر یا کاشی کارش هنوز هر در زیر محراب نوی گوش می‌بیچد و زندگانه چشم را متمرکز نظرهایی که کند که بعد این همه سال و زندگی نقش سنت‌های هنرمندانش تازه و پرکاست.

مردمان قدمی، هنرمندانی که داند، هرجاگه‌ای هست عشق بازی‌های رنگانه هنرمندانی گمانم پشت آن پنهان است.

درباره

پیامک شهر آرامحله ۳۰۰۰۷۲۸۹



سنگ‌ها چه دنیای عمیق و جالبی دارند این بود که به سراغ این کار آمد و حالا بسنگ‌ها زندگی می‌کنم. کامل پور تعزیف‌می‌کند: سنگ‌های عقیقی که از جنوب خراسان می‌آیند، سنگ‌های اصیلی است که مخاطبان زیادی دارند. هنوز بعض‌های زیادی برای بازدید مانده است. هنرمندان غرق در دنیای خویشند؛ از استاد مجيد رزی که قلمزنی روی سنگ را تجاه می‌دهد، تا منصوره عامری که کارشناس صنایع مستی است و در زمینه تولید محصولات چرمی دست دوز فعال است. سارا ای چرالوی استاد پاییه ماشه ستنتی است. استاد رعنایی هنر حکاکی بر روی سنگ و فلز را انجام می‌دهد و ...

اهالی انجمن چهار باغ، کنار هنرمندان مجموعه روز خاطره انجیزی را به پایان می‌رسانند و خاطره اش را در قاب دوربین می‌گنجانند تا هیچ وقت از خاطر شان نرود.

کوتاهی می‌شوند که با سر انجشتان هنرمندانه او نواخته می‌شود. آنان سپس هر آن چیزی را که لازم است درباره آموزش و پیشیزیه این هنر از او می‌آورند و به خاطر می‌سپارند تا میهمان غرفه دیگر باشند.

پایه ماشه که هنر قدیمی و کهن است و حتی بر روی فلز و استخوان هم انجام می‌شده، در اتاق دیگری آموزش داده می‌شود و توعی زیبایی از آثاری چون انواع و اقسام قلمدانها، جا جواهری و جعبه‌های شکلی را پیش چشم مخاطب به نمایش می‌گذارد. مقوایها و کاغذهای فشرده با دست‌های هنرمندان مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذراند و با تقاضای گل و مرغ ایرانی زینت می‌باشد و انتخاب را دشوار می‌کنند.

با سنگ‌ها زندگی می‌کنم

اما روابط زندگی کامل پور هنرمند عقیق تراشی که به صورت خیلی اتفاقی وارد این رشته شده، نیز جاذب و شنیدنی است. اخطاب به اهالی انجمن چهار باغ تعریف می‌کند: چند سال در یامحمدو اساد زندگی کرد، روزی کنار در یامشغول تماشا بود که با صحنۀ ای جالب روبرو شدم. اینکه خیلی از محلی‌ها چیزی را از روی زمین برمی‌داشتند و به دنبال قسمت دیگر می‌رفتند. کجاکوشده بود و موضوع را که پرسیدم، متوجه شدم مربوط به جمع اوری سنگ‌هاست. از جما مستاق شدم جریان سنگ‌ها را دنبال کنم و خیلی زود فهمیدم



استاد حمیدی، نقاش قهوه خانه‌ای با مهارت تمام قلم بربرده‌ای می‌کشد که سرشار از رنگ و نقش است.

استاد حمیدی همان طور که حواسش مطلع به کارش است، توضیح می‌دهد: نقاشی مربوط به پنج بانوی بزرگ اسلام است: مریم، زینب، آسیه، خدیجه و ام البنین. پشت سر او تابلوی هنرمندانه از عمور سیاوش از انش است که توجه خیلی هارا جلب می‌کند.

به گفته اتفاقی قهوه خانه‌ای پیشتر در سبک خیالی کشیده می‌شود و بر سه پایه شاهمه، آسیا و رسوم کهن و مذهبی می‌چرخد. استاد اطلاعاتی را که از کتاب اوتاری شفاهی و به نقل از افرادی دست می‌آورد، حلاجی وبالا و پایین کرده، با ذوق به تصویر می‌آورد.

تعریف کند مخاطبان این هنر قهوه خانه‌ها، تکایا و مجموعه‌های مذهبی اند که حالانشق خیلی پر رنگی ندارند و اینسته سفارش‌های رابرای مجموعه آستان قدس رضوی انجام می‌دهند.

معمول اهل اثر دو تا سه ماهی زمان می‌برد و استاد برای هیچ کدام از آن‌ها قیمتی تعیین نمی‌کند و حق هم دارد کار هنری و پر امده از دل و جان را نمی‌شوی، ارزش گذاری کرد.

در کارگاه انگشت‌سازی

کارگاه استاد حسین یساول شلوغ و پرسو و صداست: با صدای ممتد و یک‌بیز چکش‌ها. استاد می‌خواهد بجهه ابرای چند لحظه دست از کار بکشند و درباره هنر شنیدن به اعضا ای انجمن چهار باغ توضیح می‌دهد که تا به حال کار افرینی زیاد داشته است و هنر جویان باید هزینه به نسبت بالایی را برای آموزش پیردازند.

استاد می‌گوید: صرف‌تا صد کار انگشت‌سازی در همین مجموعه کوچک انجام می‌شود. نقش‌دادن فلزی که هیچ حالتی ندارد، به انگشت‌های شکل و چشم نواز، گاهی سه تا چهار گفته زمان می‌برد. کارهایی که تولید می‌شود، برخی موزه‌ای است و جایگاهش در کلکسیون عاشقان عیقنه است.

استاد به شدت معتقد است: هنر جویان این مجموعه باید دوره طراحی را بگذرانند و خط و خوشنویسی را بدانند تا بتوانند خبره این کار باشند. حرف اول و آخرش یکی است: باسواد مطلع از هنر می‌تواند پیش‌رفت داشته باشد، نه بی‌سواد هنر مند.

تارآموزی در مصلی

چهار باغی‌ها پس از در اتاق استاد یاراحمدی میهمان قطعه‌های

